امام حسین علیه السلام

و دو جریان در گستره تاریخ

مولف: عباسعلی اختری

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین (ع) و دو جریان در گستره تاریخ

نویسنده:

عباس علی اختری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین (ع) و دو جریان در گسترهٔ تاریخ

مشخصات کتاب

مؤلف: عباسعلی اختری
ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

دو جریان فرهنگ ساز

پذیرش القائات فرهنگی و تبعیت و دنباله‌روی از چیزهایی که از جریانی به فرد و یا جامعه القاء می‌شود، عامل تعیین‌کنندهٔ مهمّی در فرهنگ و رویکردهای رفتاری و شکل‌گیری سرنوشت جامعه است.
از اول آفرینش و در طول تاریخ زندگی انسان‌ها، دو جریان متضاد، بر فکر و فرهنگ و رفتار انسان‌ها تأثیر گذاشته است.
به هر نسبتی که مردم از آنها پذیرفته‌اند، مطابق همان، فرهنگ‌شان شکل گرفته و در عملشان رویکرد داشته و نمایان شده است.
یک جریان کوشش داشته که انسان‌ها را از زندگی صرفاً مادّی فراآورده و به سوی همهٔ خوبی‌ها پیش برد. عدالت، امانت، صداقت، عزّت، نوع‌دوستی، خدمت به خلق، پاک‌دامنی و دیگر خوبی‌ها را در راستای خداشناسی و خداگرایی، در میان افراد جامعه تحقق بخشد.
در ادبیات مذهبی و فرهنگ الهی، این جریان را «جریان زنده نگه داشتن معروف» می‌توان نام نهاد.
جریان دیگر، جریانی است که با جریان فوق تضاد دارد و در طول تاریخ کوشش داشته که مردم جوامع را در دام ستمگری، خیانت، ذلّت، خود خواهی، افسادگری، عصیان، طغیان و بی‌بند و باری، لذّت‌طلبی از نوع حیوانی و سرانجام سقوط در وادی نکبت و مرگ ذلّت‌بار گرفتار سازد.
این جریان در ادبیات دینی و مذهبی بنام «جریان منکرات» شناخته می‌شود. تفاوت عمیق تر این دو جریان، در ضمن بحث‌های آینده بیشتر روشن می‌شود.

سرچشمهٔ دو جریان

قبل از مطالعه و بررسی هر مسئله‌ای در این موضوع، شایسته است که خاستگاه این دو جریان شناخته شود که دو جریان معروف و منکر چه خاستگاهی دارند و از کجا سرچشمه گرفته‌اند؟ و نیروهای هر کدام از دو جریان، به کجا منتهی می‌شوند؟ بهترین پاسخ چیزی است که کتاب آسمانی ما؛ یعنی قرآن بیان می‌کند. قرآن اعلام می‌کند که جریان احیای معروف، راه خدایی و روش الهی است:
«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ البته خداوند فرمان می‌دهد به عدالت و نیکی به دیگران و عطا و کمک به بستگان و نزدیکان و باز می‌دارد از فحشاء و زشتی و تجاوز و ستم بر دیگران، شما را پند می‌دهد به امید آنکه شما تذکر یابید و آگاه گردید.»
و در توضیح اهداف پیغمبران و هدف‌های پیغمبر اسلام می‌فرماید:

«وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ و به حقيقت، در ميان هر امّتى پيامبرى برگزيديم كه مردم را به طاعت خدا وادارند و از اطاعت قدرتمندان طغيان‌گر ممانعت كنند... » و در جاى ديگر مى‌فرمايد:
«لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ و اين پيغمبران را با كتاب آسمانى و شواهد صدق گفتار فرستاديم تا مردم در سايهٔ عدالت زندگى كنند و به آنها ستم نشود... »
جريانى ديگر و روش ديگر، راه شيطان و روش پيروان شيطان است و البته هر كس از شيطان تبعيت كند، بر او مسلط مى‌شود!
«إِنَّما يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ؛ از گام‌هاى شيطان تبعيت نكنيد؛ زيرا براى شما دشمنى آشكار است. او فقط به زشتى‌ها و فحشاء فرمان مى‌دهد و به اينكه چيزهايى را كه نمى‌دانيد به خدا نسبت دهيد»
«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ؛ اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد از گام‌هاى شيطان تبعيت نكنيد و هركس گام‌هاى شيطان را دنبال كند، پس او به فحشاء و زشتى‌ها فرمان مى‌دهد...»
آيات ۳ و ۴ سوره حج هم تقريباً همين مضمون را دارند.

دقّتى در ژرفا

جريان اول، جريان تكاملى و گرايش به سوى بهزيستى مادّى و روانى و زندگى صميمانه و مسالمت‌آميز و برخوردارشدن همهٔ اقشار، از مزاياى زندگى و نعمت‌ها است؛ ولى جريان دوم، جريان بيمار، تخريب‌گر، ساقط كننده، دشمنى‌زا ، خونريزى و فساد و اساس آن بر مخالفت با جريان اول نهاده شده و در جاى خود اعلام نيز گرديده است.
حضرت على عليه السلام مى‌فرمايد:
«احْذَرُوا عَدُوَّ اللَّهِ إِبْلِيسَ أَنْ يُعْدِيَكُمْ بِدَائِهِ أَوْ يَسْتَفِزَّكُمْ بِخَيْلِهِ وَ رَجِلِهِ فَقَدْ فَوَّقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَ رَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، از دشمن خدا شيطان برحذر باشيد. مبادا درد و بيمارى خود را به شما سرايت دهد. و مواظب باشيد با لشكر و پياده‌اش شما را از پا در نياورد؛ زيرا به طور جدى و واقع، تير تهديد را در كمان نهاده و از فاصله نزديک به شما شليک كرده است.»

وابستگى با هر جريان

آنچه كه افراد بشر و مردم جامعه را به يكى از دو جريان پيوند مى‌دهد، عملكرد آنها است نه ادعاى زبانى، همچنان‌كه مى‌دانيم جايگاه صنفى همهٔ اقشار و طبقات جامعه را عملشان مشخص مى‌كند.
اين مطلب خود بر يک ديد روانشناسانه بسيار دقيقى استوار است؛ يعنى عملكرد، هم‌گروهى مى‌آورد و عملكردها نشانهٔ گرايش‌ها است.
بهترين دليل بر اين مطلب كلام خدا است كه در قرآن مى‌فرمايد: براثر عمل صالح، بعضى را در جمع ديگر وارد مى‌كنيم:
«وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحينَ؛ وكسانى كه ايمان آورده اند و عمل صالح انجام داده‌اند، آنان را در جمع صالحان وارد مى‌كنيم».
پيغمبر گرامى اسلام حضرت محمد (ص) در بيانى روشن‌گر فرمود:
«عمل بعضى از مردم آنان را همگون پيغمبران و عمل بعضى آنان را همگون فرشتگان و عمل پاره‌اى آنان را همسان چهارپايان مى‌سازد» و در بيانى ديگر فرمود:

همچنـان که بوته از خار انگور نمی‌توان چیـد، همچنین نابکاران در جایگاه نیکان قرار نمی گیرنـد، راه اینها دوتا است و از هم جـداست، شـما راه هر گروه را برگزیدید به همان گروه می‌پیوندید» و نیز فرمود: «هر راهی که می‌خواهید طی کنید، هر راه را که پیمودید، بر اهل آن راه وارد خواهید شد»

شاعر می گوید:

می توانی که فرشته شوی از علم و عمل

لیک از همّت دون، ساخته ای با دد و دام. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

« وَ قُولُوا خَيْراً تُعْرَفُوا بِهِ وَ اعْمَلُوا الْحَقَّ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِ؛ حق را بگویید بدان شـناخته می‌شوید و به حق عمل کنید، با این عمل از جریان حق خواهید بود»

روشن است کسانی که می‌خواهنـد به جریان برتر و بهتر «جریان احیای معروف» بپیوندند، باید روش عملی آنها را الگوی خود قرار داده و تا حد امکان و توان، عمل آنها را انجام دهند، همچنان که پیوستگان به «جریان تخریب و افساد» عمل آنها را انجام می دهند.

در ایران اسـلامی ما شاهـد بودیم که گروهی از مدعیان مبارزه با اسـتعمار و نظام آمریکایی محمد رضا پهلوی، بعد از پیروزی انقلاب اسـلامی و برقراری حکومت «ولایت فقیه» به گونه‌ای عمل کردنـد و جنایاتی را مرتکب شدند که ملّت ایران با الهام از فرهنگ قرآن و تطبیق‌دادن اعمال آنها با جریان نفاق صدر اسلام، آنان را منافقین نامیدند.

راه‌ها و سرانجام ها

در اینجـا بـا تـوجه به نقش اعمـال در تعیین جایگـاه‌هـا و ایجـاد همگروهی که نمایـهٔ گرایش‌هـا نیز هست، برای یـک محقق و تحلیـل گر که انگیزه‌هـای اعمـال را می کـاود، به‌طور طبیعی این سؤال پیش می‌آیـد که زمینه‌هـای اعمـال و عواملی که موجب می‌شود تا یک شخص به نوعی عمل گرایش یافته وبه شکلی خاص عمل کند، چیست؟

پاسخ سؤال از دیدگاه فلسفه و روانشناسی اجتماعی سیاسی متفاوت تبیین می‌شود.

امّا آنچه با این بحث مناسبت دارد، پاسخ سیاسی و اجتماعی با گرایش دینی و مذهبی است که از مکتب وحی الهام می گیرد.

در منابع فرهنگی و معرفتی اسلام، سه عامل کلی بیان شده که موجبات گرایش به یک مقام و یا یک جریان به شمار می‌رود و عملکرد همسان آنان را نتیجه می‌دهد و سرانجامش پیوستن به آن مقام یا جریان است.

این راه‌ها به ترتیب تأثیرگذاری عبارتند از؛

۱- محبّت و دلباختگی

۲- تبعیّت و دنبال‌روی

۳- اطاعت و فرمان‌پذیری

انسـان تحت تـأثیر عواملی چون تعلیم، تبلیغ، معاشـرت و اموری دیگر به کسـی یـا به جریانی علاقه‌منـد می‌شود و نسبت به آن محبت پیدا می کند.

این محبت در شـرایط مساعـد به تبعیّت می‌انجامـد و تبعیت‌هـا در موقعیت منـاسب و مساعـد به اطـاعت و فرمـان‌پـذیری منتهی می‌شود و در نهایت نوعی عمل را نتیجه می‌دهد؛ اینک این سه عامل را مرور می کنیم.

۱- اولین عامـل و آغـاز گرایش تا پیوسـتگی و وابسـته‌شـدن به یک جریان و یک مرام، محبت و دلباختگی است. رهنمودها و

دلیل‌ها در این زمینه به قدری زیاد و روشن است که در شرح آنها کتاب‌ها نگاشته‌اند.

محبت و علاقه به هر کس و به هر عمل، شخص را به آن ملحق می‌سازد. تمام تلاش‌های انسان در طول تاریخ از چشمهٔ محبت، منبع گرفته است.

در ده‌ها حدیث از پیغمبر و ائمه علیهم السلام آمده که انسان هر کس را دوست داشته باشد، سرانجام به او می‌پیوندد و با او محشور می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «... وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ؛ شخص با کسی خواهد بود که دوست داشته است».

به همین جهت است که اسلام دستور می‌دهد، هر چه را که خدا و برگزیدگان او دوست می‌دارند، دوست بدارید و هر چه را که دشمنان خدا و دشمنان شما دوست می‌دارند، از آنها برحذر باشید و فرار کنید.

۲- عامل دیگر پیوستگی و وابسته‌شدن به یک جریان و یک مرام، تبعیت است که در اثر محبّت و علاقه تحقق می‌یابد. در فقه و حقوق اسلامی، احکام زیادی بر تبعیت بار می‌شود، مهم‌ترین حکمت و فلسفهٔ آن همین است که تبعیت از هر مقام و هر جریان در نهایت پیوستن و وابسته‌شدن به آن مقام و جریان را به دنبال دارد.

قرآن اعلام می‌دارد: «هدایت الهی در پرتو نور و کتاب، شامل حال کسانی می‌شود که تابع رضامندی خدای متعال هستند» و به ملّت یهود و مسیحیّت اعلام می‌کند که حضرت ابراهیم علیه السلام نه یهودی بود و نه مسیحی و کسی با ادعا به او نمی‌پیوندد؛ بلکه «سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او تبعیت کردند و این پیغمبر (پیغمبر اسلام) و کسانی که به او ایمان آوردند... »

و در بیان نقش تبعیت از پیغمبر اسلام می‌فرماید:

«کسانی که تبعیت می‌کنند از پیام‌آورآگاه درس ناخوانده، همان کسی که نام و صفاتش را تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند (همان‌که) آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده تبعیت و پیروی نمودند، آنان رستگارانند»

پیامبر اسلام (ص) در صدها دستور به امّت سفارش کرد که بعد از من، از علی ابن ابیطالب و امامان بعد او (علیهم السلام) تبعیت کنید، از میان همهٔ امت اسلامی، بعد از حدود چهارده قرن، ملتی که از آنها تبعیت کردند، انقلاب اسلامی را در ایران ایجاد کردند و این از آثار تبعیّت راستین است.

۳- عامل سوم که پیامد دو عامل قبلی؛ یعنی محبّت و علاقه‌مندی و بعد تبعیت است، اطاعت و فرمان‌پذیری است.

قران اعلام می‌دارد که هر جمعی که از جمع دیگری اطاعت کنند، موقعیت‌شان، سرانجام با آنها خواهد بود.

«هر کس اطاعت کند خدا و رسول او را، پس آنان با جمع کسانی خواهند بود که خدا به‌طور ویژه نعمت‌ها را به آنان عنایت کرده که عبارتند از: پیغمبران، صدیقان، شهدا و صالحان و اینان خوب رفیقان و هم‌صحبتان هستند».

این عمده‌ترین معیار پیوستگی است و دو عامل دیگری را که یادآور شدیم، وقتی به این عامل منتهی شد، نتیجه می‌بخشد و به لحاظ نقش عمل و اطاعت عملی است که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«بدانید که مبغوض‌ترین مردم در پیشگاه خدای عزوجل کسی است که به روش امامی اقتدا می‌کند؛ ولی به اعمال او اقتدا نمی‌کند .

همگامان عملی جریان تخریب

نقش عمل و رفتار را در ایجاد هم‌نوایی، هم گروهی و وابستگی دریافتیم؛ اما در بسیاری از موارد از این حقایق، غفلت یا به عمد بی‌اعتنایی می‌شود.

به لحاظ عدم دقت در عمل است که بعضی‌ها، گرچه با زبان مدعی همگامی با جریان پیشتاز و حیات‌بخش معروف هستند؛ ولی در عمل همگام جریان منکر، عمل می‌کنند، به علت کینه‌های شخصی، کج‌فهمی یا غفلت و یا هر عامل دیگر؛ مانند جریان نفاق به بیان قرآن، که ادّعای اسلام و مسلمانی را دارند؛ ولی در عمل، همگام جریان منکر هستند؛

«مردان منافق و زنان منافق که بعضی از بعض دیگر پدید می‌آیند، به بعضی منکرات امر می‌کنند و از بعضی معروف‌ها نهی می‌کنند و باز می‌دارند، و دست‌ها را به همکاری نمی‌گشایند،[زیرا] خدا را فراموش کردند، خدا نیز آنها را به حال خود گذاشت، البته منافقان همان فاسقان هستند».

معلوم است که این روش، ضد جریان اهل ایمان است؛ زیرا روش اهل ایمان، هماهنگ با روش خدا و پیغمبران بر زنده نگه‌داشتن جریان معروف استوار است.

قرآن اعلام نموده است: «و مردان با ایمان و زنان با ایمان، بعضی اولیاء بعض دیگرند (رابطه والایی دارند) به معروف و خوبی‌ها فرمان می‌دهند و از منکر و زشتی‌ها باز می‌دارند و...».

البته در صورتی که بر جهت‌گیری آن سه عامل مواظبت نشود، مرحله نهایی انحراف؛ یعنی انحراف در عمل، جای تعجّب نیست. به همین جهت گرچه کمتر کسانی یافت می‌شوند که با زبان و به صراحت، امر به منکرات و بازداری از معروف و خوبی را مرتکب شوند؛ ولی بسیاری با عملشان بازدارنده از معروف و دعوت‌کننده منکرات هستند.

مثال برای نهی از معروف عملی

بسیاری از جوان‌های با استعداد و لایق بودند که به تشویق علماء به دنبال تحصیل علوم اسلامی رفتند؛ ولی توهین‌ها و برخوردها آنها را فراری داد و تحصیل علوم حوزوی را ترک کردند. در این مورد روایت هست که می‌فرماید: لعن خدا بر قطع‌کنندهٔ راه معروف است.

امر به منکر عملی

–آنجا که کاسبی با زن بدحجاب و آرایش کرده، خوش‌رویی نشان می‌دهد و به او بهتر از زن با حجاب پاسخ می‌دهد، او با عملش منکر را رواج می‌دهد.

–در درمانگاه، بیمارستان، بانک و اداره، وقتی مراجعه‌کننده بدحجاب و خودنما، بهتر پذیرفته می‌شود، آن مسئول مربوطه عملاً منکر را حمایت می‌کند و رواج می‌دهد؛ مثل جریان نفاق عمل می‌کند.

–استاد دانشگاهی که دانشجوی بدحجاب را بهتر می‌پذیرد، بیشتر بها می‌دهد، برخورد محبّت آمیز می‌کند، عملاً دارد منکر را تأیید و رواج می‌دهد.

–وزارتخانه و اداره‌ای که افراد متملّق را با عدم لیاقت می‌پذیرد، او هم منکر را رواج می‌دهد.

–مسئول بانکی که با رشوه، وام‌های کلان را از حق مردم می‌دهد، او هم منکر را رواج می‌دهد.

به همین گونه همه کسانی که آشکارا در پیش چشم امت خداشناس که به خدا، پیغمبر و دین احترام می‌گذارند، هنجار شکنی

می‌کنند و تظاهر به گناه می‌کنند، از نمونه‌های بارز رواج‌دهندگان منکر هستند.
–گاهی تظاهر به گناه کوچک‌تر، که از آن برداشت بی‌احترامی به خدا و دین می‌شود، کیفرش بدتر از گناه بزرگتری است که مخفیانه انجام می‌گیرد و موجب هنجارشکنی نمی‌شود.
دستورات اکید پیشوایان معصوم (علیهم السلام) بر این است که انجام‌دهندگان معروف را تجلیل و احترام و تشویق کنید؛ و جریان اشاره شده در بالا، برعکس این عمل می‌کند.
در همین راستا قرار می‌گیرد، خرافه‌گرایی و بدعت‌گزاری در دین و هرگونه تجاوز از حدود دستورات خداوند متعال، کسانی که عیسی را پسر خدا خواندند و یا علی اللّهی شدند، یا ادعا می‌کنند «حسین اللهی هستم»، آنها نیز از منکر پراکنان بزرگ هستند.

کیفر کوتاهی از مبارزه

این‌گونه اعمال، همسو با روش جریان نفاق و ضد جریان الهی و پیشوایان دین است و نفرین و لعنت خدا و پیغمبران را در پی دارد؛ زیرا این اقشار، علاوه بر آنکه خود از راه خدا منحرف و گمراه شده‌اند، دیگران را هم گمراه می‌کنند و به سوی هلاکت می‌برند.
«بگو ای اهل کتاب در دینتان به ناحق غلو نکنید، از حدّ بایسته فراتر نروید و تبعیّت نکنید از تمایلات و دل‌خواسته جمعی که از پیش گمراه شدند و جمع کثیری را گمراه کردند و از راه استوار منحرف گشتند. [این خود گونه‌ای از کفر است]
آن جمعی از بنی‌اسرائیل که کفر ورزید، به زبان داود و عیسی ابن مریم، به خاطر عصیان و سرکشی که می‌ورزیدند، لعنت شدند. چنین بودند که از منکری که مرتکب می‌شدند، ممانعت نمی‌کردند و چه زشت بود آنچه انجام می‌دادند.
می‌دیدی [آشکار بود] بسیاری از آنها می‌پذیرفتند ولایت کافران را، بد چیزی برای خود پیش فرستادند که خدا بر آنها غضب نمود و در عذاب جاویدانند».

سرایت انحراف در جامعه

می‌دانیم که در زندگی اجتماعی هرگونه فساد و آلودگی رخ دهد و از آن جلوگیری نشود، به‌طور طبیعی به دیگران هم سرایت می‌کند.
همه کسانی که رفتارهایی از این قبیل را می‌بینند و هیچ‌کس عکس‌العملی نشان نمی‌دهد، شریک جرم و همگام آنها حساب می‌شوند.
پیامبر گرامی (ص) فرمود:
«اذا رأوا الناس منکراً فلم یغیّروه، عمّهم الله بالعقاب؛ هرگاه مردم زشتی را ببینند و جلوی آنرا نگیرند، کیفر خدا شامل حال همگان خواهد شد».
در صفحات پیش دریافتیم که رفتار بعضی از عوامل فساد بی‌احترامی به خدا و قانون خداست و موضع‌گیری برخلاف جریان حق است.
امام باقر (ع) فرمود:

«الْآمِرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهِی عَنِ الْمُنْکَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجلّ؛ امر به معروف و نهی از منکر دو خلق و خوی خدایی هستند، پس هر کس به این دو خوی کمک کند، خدا عزیزش می‌سازد و هر کس این دو را خوار کند، خدا خوارش می گرداند».

عصیان عده ای و کیفر همگان

امام باقر (ع) از حضرت امیر المؤمنان نقل کرده که فرمود:
«خداوند به خاطر گناه عده‌ای خاص، عموم مردم را عذاب نمی کند، درصورتی که آن عدهٔ خاص، گناه و منکر را مخفیانه انجام دهند و عموم مردم آگاه نشوند؛ اما وقتی عده‌ای خاص، گناه و منکر را آشکارا انجام دهند و عموم مردم که می‌بینند آن روش را تغییر ندهند و جلوی آن را نگیرند، همهٔ آن مردم از طرف خدا سزاوار کیفر خواهند شد.
در ادامه فرمود پیغمبر گرامی(ص) فرموده است: بندهٔ خدا وقتی معصیت و گناه را پنهان انجام می‌دهد، ضرر آن گناه فقط به عامل آن می‌رسد، اما وقتی گناه را آشکارا انجام می‌دهد و کسی با او برخورد نمی کند، ضرر آن گناه به همهٔ آن مردم می‌رسد. در پایان امام باقر (ع) فرمود: زیرا او با عملش دین خدا را خوار می کند و جریان دشمنی باخدا، به او اقتدا می کند و از او الگو می گیرد و به او می‌پیوندد.»

چهرهٔ جریان تخریب

این دو جریان فراگیر است، به گونه‌ای که هیچ‌کس بیرون از این دو نیست.
هر کس خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه در یکی از این دو جریان قرار می گیرد.
همانطور که نسبت به کشتار انسان‌های بی‌دفاع هیچ‌کس نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. در ایجاد جنایات ضدانسانی و وحشیانه؛ مثل قتل عام بوسنیایی‌ها و فلسطینی‌ها، کشتار زنان و کودکان در فلسطین، افغانستان! قدرتمندان آدم‌خوار برای منافعشان هرگونه جنایتی را مرتکب می‌شوند و از آنها عجیب نیست.
عجیب آن است که بسیاری از افراد ناآگاه وجدان و شرافت و همه چیز انسانی را زیر پا گذاشته و اجرا کنندهٔ اهداف پلید و ارضاکنندهٔ تمایلات گرگ صفتانهٔ آنها هستند، در طول تاریخ کسانی در آمریکا، اروپا و آسیا برای منافع حکام، فرعون‌ها، حجّاج‌ها، معاویه‌ها، هم‌نوعان خود را کشتند و خودشان را خوار و ذلیل قلدرها کردند، جنایت کردند برای منافع دیگران.
اینها نمونه‌های کمی از نوع عملکرد جریان افساد، تخریب و منکرات است.

عوامل بلا انگیز

امام سجاد (ع) فرمود: چند گناه موجب می‌شود که بر مردم بلا نازل شود.
۱- ترک اعانت و کمک به مظلومی که استغاثه می کند.
۲- ترک اعانت به مظلوم.
۳- ضایع کردن امر به معروف و نهی از منکر.

کیفر سرپیچی از تبعیت برگزیدگان

پیغمبر گرامی (ص) فرمود: «و هنگامی که در جامعه امر به معروف ننمودند و جریان نیکی‌ها را زنده نکردند و از زشتی‌ها باز نداشتند و مانع آن نشدند و مهم‌تر آنکه از برگزیدگان اهل بیت من تبعیت نکردند، خداوند اشرار و فتنه‌انگیزان را بر آنها مسلط خواهد کرد، پس در آن وضعیت، خوبان جامعه دعا می‌کنند؛ ولی به اجابت نخواهد رسید» .

فریادها و دعاها بعد از کوتاهی‌ها در انجام وظیفه و بازداری از زشتی‌ها دردی را دوا نمی‌کند.

امتیازات جریان اصلاح

اما در مقابل، جریان الهی نیکی‌ها و معروف، به چیزی جز مصلحت امت و انسان‌ها نمی‌اندیشند. اصولاً فلسفهٔ الزامی‌بودن وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر، حفظ سلامت جامعه و تأمین مصلحت عموم است.

حضرت فاطمه (س) در ضمن سخنرانی تاریخی خود در مسجد مدینه و برای اینکه جمعیت را وادار کند که از جریان حق حمایت کنند، فرمود:

« وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیُ عَنِ الْمُنْكَرِ مَصْلَحَةً للعامّه؛ و خداوند متعال امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمود، برای مصلحت عموم مردم.»

منابع اسلامی اعلام می‌دارد؛

۱- این جریان با زنده‌کردن خوبی‌ها و بازداری از زشتی‌ها به عنوان بهترین جمعیت و الگو برای سایر ملت‌ها و بشریت مطرحند.

۲- و باید جمعی این جریان را زنده بدارند و آنها فقط رستگارانند.

۳- و اینها پیشگامان به سوی خیرات و بهترین‌ها و صالحان جامعه هستند.

۴- این جریان با اعتراض به زشت‌کاران، اولاً: معذرت خواهی خود را به پیشگاه پروردگار اعلام می‌دارند؛ ثانیاً: سعی می‌کنند زشت‌کاران را باز دارند.

۵- این جریان، خلق و خوی خدایی را در جامعه زنده می‌کنند و خداگونگی را رواج می‌دهند و از این راه، خدا عزّت را نصیبشان می‌نماید.

۶- کار این جریان، روش یاری‌کردن خداست: «و البته خدا یاری می‌کند کسانی را که او را یاری می‌کنند؛ زیرا خداوند قدرتمندی است که مغلوب نمی‌شود. یاری‌کنندگان خدا همان‌هایی هستند که وقتی به آنها در زمین تمکن و قدرت دادیم، نماز را بر پای می‌دارند، زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند.»

۷- این جریان، خیر خواهان جامعه هستند که نمی‌توانند بنگرند جامعه به سوی سقوط می‌رود و آنها آرام باشند.

اگر بینی که نابینا و چاه است *** اگر خاموش بنشینی گناه است.

۸- این جریان، حریم‌داران دستورات حق‌اند؛ مسلمان‌های غیور باید حریم دستور خدا را نگه دارند و نگذارند زیر پا گذاشته شود، همان‌طور که پیروان هر قدرتی امرهای او را محترم می‌شمارند.

حضرت موسی (ع) در مناجات با خدا فرمود: پروردگار من! اهل تو کیانند که در سایهٔ عرششان جای می‌دهی، در آن روزی که سایه‌ای جز سایهٔ تو نیست؟

خدا به او وحی فرمود: آنان که باطن خود را پاک ساخته‌اند و با دست خود نیکی نمودند و جلال مرا یاد می‌کنند، در هنگامی که پروردگار خود را یاد می‌نمایند. آنان که به اطاعت من وابسته‌اند، آن‌گونه که طفل به شیر وابسته است. آنان که به مساجد

پناه می‌برند، همان‌طورکه بازها به آشیانهٔ خود پناه می‌برند و آنان‌که غضب می‌کنند به خاطر محرمات و ممنوعات من که حلال دانسته می‌شود؛ همانند پلنگ زخمی.

راه و رسم پیغمبران

در صفحات پیش تأکید پیغمبر (ص) را دریافتیم. در تبیین جایگاه این جریان، امام باقر (ع) در ضمن بیان مفصّلی می‌فرماید: ... بعضی دنبال بهانه می‌گردند که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند و فقط در آنجایی حاضرند این وظیفه بزرگ را انجام دهند که هیچ‌گونه ضرری را برایشان در پی نداشته باشد و حال آنکه «امر به معروف و نهی از منکر» واجب بزرگی است که به کمک آن بقیه واجبات برپا داشته می‌شود، در چنین موقعیت و حالت مردم، خشم خدای عزّوجل بر مردم تمام می‌شود و کیفر را شامل حال همگان می‌سازد، پس خوبان در خانهٔ بدان و کوچکترها در خانهٔ بزرگترها به هلاکت می‌رسند. [چگونه می‌شود توقع داشت که امر به معروف و نهی از منکر هیچ ضرری برای انجام‌دهنده ایجاد نکند، با اینکه] به حقیقت امر به معروف و نهی از منکر راه پیغمبران و روش صالحان است .

واجب بزرگی است که به واسطهٔ آن بقیهٔ واجبات انجام می‌گیرد، راه‌ها امن می‌شود، کسب‌ها حلال می‌شود، جلوی ظلم‌ها گرفته می‌شود، زمین آباد می‌گردد، از دشمنان انتقال گرفته می‌شود و کارها استقامت می‌یابد.

به کدام جریان می‌پیوندیم

اکنون که به طور کوتاه موقعیت دو جریان را مرور کردیم و نکوهش و ستایش نسبت به آنها را دریافتیم، سزاست که خویشتن را بیابیم که در راستای کدام جریان هستیم و بر اساس همت خود، همگام چه جریانی می‌خواهیم گام برداریم؟

گرچه فرق میان این دو همان فرق ظلمت و نور و تفاوت حق و باطل است و آزادگان به آسانی مسیر را می‌گزینند.

امّا الگوهای بزرگ قوّت بخش جان و روشن‌گر راه آزادگانند، همچنان‌که حضرت امام حسین (ع) راه را روشن ساخت.

امام حسین (ع) آن خورشید فراتر از انسانیت که به جهت برافکندن حکومت سراسر ظلم و جنایت دودمان بنی‌امیّه انقلاب خونین کربلا۔ را برپا کرد و در بین جامعه ای مرده، رستاخیز این دنیا را ایجاد نمود، به صراحت اعلام می‌دارد: من این همه سرمایه‌گذاری از خون بهترین انسان‌های زمان را بدان جهت عهده‌دار شده‌ام که گام اصلاحی بزرگ را بردارم و معروف اصلی را زنده کنم و منکر اساسی را که خواستگاه دیگر منکرات است، از ریشه برکنم.

و نیز فرمود: «وَ أَنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظَالِماً وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّةِ جَدِّی ص أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِیرَ بِسِیرَةِ جَدِّی وَ أَبِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (ع) فَمَنْ قَبِلَنِی بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَی بِالْحَقِّ وَ مَنْ رَدَّ عَلَیَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّی یَقْضِیَ اللَّهُ بَیْنِی وَ بَیْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاكِمِینَ»؛ و البته من بیرون نشدم که آشوبی برپا کنم و نه برای آنکه خوشگذرانی کنم و نه برای فساد انگیزی و نه ستمگری؛ بلکه فقط قیام کردم برای اصلاح امت جدم پیغمبر (ص)، اراده کرده‌ام که امر به معروف و نهی از منکر نمایم و روش جد و پدرم علی ابن ابیطالب را دنبال کنم، پس هر کس مرا بپذیرد به‌واسطهٔ پذیرش حق، پس خدا شایسته‌تر است به حق‌پذیری و خدا می‌پذیرد و هر کس این اقدام را بر من رد کند و نپذیرد، شکیبایی و استقامت می‌ورزم تا خداوند میان من و این جمعیت قضاوت کند و او بهترین حکم‌کنندگان است.

در اینجا باید توجه شود، معروف مهمی که حسین (ع) می‌خواست زنده کند، زمامداری حق و مهم‌ترین منکری که آن

حضرت می‌خواست از ریشه براندازد، زمامداری باطل دودمان بنی‌امیه و آل ابی سفیان بود که پیغمبر (ص) فرمود: خلافت بر آل ابی سفیان حرام و نارواست.

حسین (ع) الگوی آزادگان

امام حسین فرزند علی و فاطمه (علیهم السلام) که حجّت خدای بر خلق است، در راستای انجام وظیفهٔ الهی خود آن‌چنان قاطعانه اقدام کرد که تا قیامت راه را برای همهٔ انسان‌های سراسر جهان روشن گردانید.

حسین (ع) کسی است که در موارد زیاد پیغمبر اسلام به وجوب محبت و همگامی با او سفارش نموده و فرمود:

۱- حسن و حسین هر دو امامند چه بنشیند و چه برخیزند، چه قیام کنند و چه نکنند.

۲- حسین از من است و من از حسینم، خدا دوست می‌دارد هر که را که حسین را دوست بدارد.

۳- پیغمبر (ص) دست حسین را گرفته و روبه مردم گفت: ای مردم این حسین فرزند علی است، او را بشناسید، قسم به آن‌که جانم به دست اوست، او در بهشت است و دوستان او و دوستان دوستان او نیز در بهشت‌اند.

۴- رسول خدا (ص) فرمود: حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت‌اند و پدرشان از خودشان بهتر است.

۵- فرزند، دسته گل والدین است و دو دسته گل من، حسن و حسین هستند.

۶- حسن و حسین بهترین خلق روی زمین هستند بعد از من و بعد از پدرشان و مادرشان افضل زنان روی زمین است.

۷- حسین یکی از ذوی‌القربی است که طبق فرمودهٔ قرآن، مودت آنان واجب. و نیز مودت آنان راهی است که به خدا منتهی می‌شود.

همچنان‌که خود امام حسین (ع) در نزدیکی‌های سرزمین کربلا در ضمن سخنانش گفت: عمل من برای شما سرمشق و الگوی کار است.

امام حسین (ع) و لزوم برخورد با جریان فساد

حضرت امام حسین (ع) و یارانش، به همراه حرّ و لشکر او به «بیضه» رسیدند در آنجا حضرت برای همراهان حرّ خطبه‌ای خواند و ضرورت برخورد با ستمگران و اعمال متجاوزانهٔ آنان را گوشزد کرد.

در آن موقعیت در میان همراهان و در مقابل جمعیت به پا خاست، حمد و ثنای خدای را بجا آورد، آن‌گاه روبه مردم نمود و فرمود:

ای مردم رسول خدا فرموده است: کسی که ببیند زمامدار ستمگری حرام‌های خدا را حلال می‌داند و مرتکب می‌شود و پیمان خدا را می‌شکند و با سنّت پیغمبر مخالفت می‌ورزد، در میان بندگان خدا با گناه و تجاوز با آنان رفتار می‌کند، با دیدن اینها برای تغییر روش چنین زمامداری به گفتار یا عمل اقدامی نکند، حق است بر خدای متعال که او را به همان جایی برد که آن ستمگر را می‌برد.

آگاه باشید که اینان ملازم شده‌اند اطاعت شیطان را، ترک کرده‌اند اطاعت خدای رحمان را و فساد را آشکار نموده‌اند و اجرای حدود الهی را تعطیل کرده‌اند و ثروت عمومی امت را به خود اختصاص داده‌اند و حرام‌های خدا را حلال کرده‌اند و حلال‌های خدا را ممنوع ساخته‌اند و من از هرکس شایسته‌ترم که وضع موجود را تغییر دهم.

و از طرفی نامه‌های شما [درباره قبول زمامداری] به من رسید و فرستادگان‌تان بیعت شما را به من ابلاغ کردند، بر این اساس که مرا رها نکنید و دست از یاری‌ام برندارید. اکنون اگر به عهد و بیعت خود وفادار بمانید به رشد و سعادت می‌رسید، من حسین پسر علی و فاطمه دختر پیغمبرم، خود من با شما هستم و خانوادهٔ من با خانوادهٔ شما هستند، پس لازم است از روش من در مبارزه با حکومت ظلم پیروی کنید؛ زیرا عمل من برای شما حجت و الگو است؛ ولی اگر از من پیروی نمی‌کنید و عهد و بیعت خود را شکسته‌اید، این از شما تازگی ندارد؛ زیرا با پدر و برادر و پسر عموی من مسلم چنین کردید. فریب‌خورده کسی است که به شما اعتماد کند.

شما [با این عهد شکنی] محرومیتی برای خود فراهم آوردید و نصیب خود را ضایع ساختید و کسی که عهد خود را بشکند، همانا به ضرر خود اقدام کرده و زیانش به خودش خواهد رسید.

مطابق آنچه تاریخ ثبت نموده کوتاهی مردم در هر دوره و عصری سلطهٔ ظالمان و درماندگی ملت‌ها را در پی داشته، همان‌گونه که یزیدیان بعد از کشتن حسین (ع) و یارانش به قتل عام مردم و خراب‌کردن کعبه و انجام جنایت‌های بسیار پرداختند؛ مثل آنچه آمریکا در عراق، افغانستان، بوسنی و فلسطین انجام می‌دهد.

صدها نمونه از این قبیل داریم. «ای عاقلان عبرت گیرید و مراقب عزتمندی خویش باشید».

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم

اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد

داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».